



حق دسترسی فراگیر و عادلانه زنان به امکانات ورزشی و تفریحات سالم

مریم شیرریان نسل

استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

(نویسنده مسئول)

maryam.shirriyan@yahoo.com

رضا خلیلی امدی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

Reza.kh17301@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: اوقات فراغت ضروریات زندگی مدرن به دلیل عدم تحرک و فعالیت کافی برای زنان است. وضعیت زندگی زنان بنا به دلایل پیشرفت های صنعتی و الکترونیکی بسیار تغییر کرده است و از سوی دیگر توجه به حقوق زنان به علت فشار گروه های فمینیستی و گروه های مدافع حقوق زنان باعث شده است کنوانسیون های متعددی در مورد حقوق زنان و حقوق فرهنگی و اجتماعی آنها تدوین شود.

روش تحقیق: این مطالعه با روش توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفت و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از فیش برداری از کتابها، مقاله‌ها، منابع الکترونیکی و پایگاه‌های اینترنتی صورت انجام گرفت که در آن به بررسی فرآیند حق دسترسی فراگیر و عادلانه زنان به امکانات ورزشی و تفریحات سالم در ایران پرداخته شد.

یافته‌ها: کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض بر زنان بنا به دلایل مذهبی و اجتماعی ایران از سوی دولتمردان و فقهای ایرانی مورد پذیرش قرار نگرفته. دولت ایران در تقابل با کنوانسیون مزبور سندی با عنوان منشور حقوق زنان را به تصویب رسانده است. در این منشور به حق دسترسی فراگیر و عادلانه زنان به امکانات و تفریحات سالم ورزشی فقط به طور مختصر اشاره شده است. و این منشور حقوق ورزشی و تفریحی زنان را لازم الاجرا دانسته است هر چند که این منشور ضمانت اجرایی لازم برای حمایت از حقوق زنان ایرانی را ندارد.

نتیجه‌گیری: منشور حقوق زنان با بسیاری از مفاد قانون اساسی مغایرت دارد و متأسفانه با تمام پیشرفتهای و تحولاتی که در زمینه تفریح و ورزش بانوان از لحاظ حقوقی و اجتماعی صورت گرفته اما هنوز عدالت حقوقی و اجتماعی در این مورد ممکن نیست و شاید دلیل این امر تفکر حاکم بر جامعه و نوع نگاه جامعه بر زن است. که البته سهم قانونگذاران در عدم بستر سازی مناسب بیشتر است.

کلمات کلیدی: تفریح، ورزش بانوان، امکانات ورزشی، حقوق زن.

مقدمه

حقوق زن، مبحثی مهم با گستره وسیع می‌باشد که عرف و شرع بار سنگینی بر ماهیت آن اضافه نموده است تفریح و سرگرمی به مانند همه انسانها نیاز اساسی زنان در هنگام فراغت است. چنان که می‌دانیم ورزش و فعالیت های بدنی جزء لاینفک برنامه‌های کلان دولت برای تمامی اقشار مختلف جامعه می‌باشد، اما اهتمام ویژه به تفریحات و ورزش بانوان به عنوان مربیان جامعه بسیار ضروری‌تر مینماید. لیکن با توجه به وضعیت فعلی فعالیت های ورزشی (در حیطه بانوان) عدم مشارکت حداکثری این بخش مهم جامعه آشکاره قابل مشاهده است.



از چند دهه قبل فعالین حقوق بشر و فعالین حقوق زن با مطالعه در بافت خانواده‌ها و جوامع متوجه شدند که شکل اوقات فراغت زنان باز تلاشی در جهت مهیا ساختن امکانات برای آرامش خانواده است و شکل گذران «اوقات فراغت»¹ زنان باید تغییر نماید در حالی این شکل گذران اوقات فراغت برای زنان کامل شکل جنسیتی به خود گرفته است به آنچه زنان و مردان آن را تفریح می‌نامند از یکدیگر متفاوت است و به بیان دیگر مقوله تفریح سویه جنسیتی دارد: زمان و میزان مشارکت زنان و مردان در فعالیت تفریحی و همینطور نگاهی که جامعه به تفریح زن و مرد دارد نیز متفاوت است. جنسیت شخص موضوعی مجرد و ایستا نیست و همواره در مناسبات با دیگران و انتظارات و آراء جامعه شکل می‌گیرد و تغییر می‌یابد. بدین ترتیب فراغت نیز به عنوان عواملی مهم در فهم شخص از خود و رابطه‌اش با دیگران انتخاب می‌شود و از این بابت باید در تعامل با هویت جنسیتی تحلیل شود.

به هر سوی در نگاهی به حقوق زنان در کشور ایران نشان می‌دهد که تفریحات زنان به مانند بیشتر کشورهای مذهبی و سنتی در قالب‌ها و مفاهیم خاصی تجمیع شدند و قوانین هم نتوانسته چارچوب تفریحات زنانه را در بیشتر موارد در هم شکند. (رضاپور اکرتی، طاهری اکردی، 1401: 62)

در کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، برقرار شدن تساوی کامل زنان با مردان و از میان رفتن همه تمایزها در عرصه‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نیز تأمین راه‌های مطمئن برای اجرای آن‌ها از سوی دولت‌هاست. (سلیمانی، 1398: 45) این کنوانسیون، علاوه بر مقدمه‌ای کاملاً طولانی، سی ماده و شش بخش دارد. که بخش نخست به تعهدات عام کشورها برای رفع تبعیض از زنان می‌پردازد.

بخش‌های دوم و سوم و چهارم ناظر به اقدامات تضمینی دولت‌ها برای برابری زنان و مردان در حوزه‌های سیاسی، آموزشی و اشتغال و برابری در مقابل قانون و نیز در عرصه ازدواج و زندگی خانوادگی است. بخش پنجم و ششم هم به ایجاد روش‌های نظارت بین‌المللی و جنبه‌های اجرایی کنوانسیون می‌پردازد. (آیت‌اللهی، کاوه مریان، هاجری، 87) اما به غیر از کنوانسیون حقوق زنان موارد قانونی دیگری در کشور وجود دارد که: حق پرورش و شکوفایی استعدادهای ورزشی و حضور در میدان‌ها ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی متناسب با موازین اسلامی²

به هر سوی بسیاری از پژوهشگران بر این امر اذعان دارند که ورزش و تفریح سه جنبه عملکردی اساسی دارد: آرامش، سرگرمی و پیشرفت؛ تفریح و فعالیت‌های ورزشی به نوعی عدم وجود فشار و عاری بودن از هرگونه تعهد به کار و استفاده نیروبخش و خلاقانه از وقت به معنای تفریح واقعی است (تورکیدسون³، 2011: 16). ورزش تفریحی شکلی از اوقات فراغت است که مزایای ارزنده‌ای به همراه دارد. با توجه به آرمانهای ورزش تفریحی و درک جوامع امروز از نقش مؤثر آن در کیفیت‌بخشی به زندگی افراد جامعه، هدف برنامه‌های ورزش تفریحی به حداکثر رساندن دسترسی و مشارکت افراد به اشکال مناسب فعالیت‌های بدنی است.

روش تحقیق

این مطالعه با روش توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفت و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از فیش برداری از کتابها، مقاله‌ها، منابع الکترونیکی و پایگاه‌های اینترنتی صورت گرفت که در آن به بررسی فرآیند حق دسترسی فراگیر و عادلانه زنان به امکانات ورزشی و تفریحات سالم در ایران پرداخته شد.

یافته‌ها

با تمام اهتمام‌ها و تلاش‌های حقوقی و سیاسی جامعه بین‌الملل در زمینه حقوق فرهنگی زنان تنها قانون قاعده‌مند و ساختارمند منشور حقوق زنان است که متأسفانه این منشور با بسیاری از اصول قانون اساسی مغایرت دارد. وقانونگذاران

¹ - leisure

² - منشور حقوق و مسؤلیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران

³ -Torkildsen



ایرانی به دلیل اعتقاد به اسلام با اساس و مبنای کنوانسیون حقوق زنان هر گونه رفع تبعیض علیه زنان مخالف هستند و آن را مغایر با آموزه‌های دینی می‌دانند.

1. اوقات فراغت زنان؛ زمینه تفریحی و ورزشی

اوقات فراغت فرصتی برای خودسازی، تعریف خود و جوان سازی جامعه، کسب تجربه و توسعه تعاملات اجتماعی است. با این حال، این مفهوم برای زنان توسط عواملی مانند جنسیت، سیاست های فرهنگی و اجتماعی حاکم محدود شده است. «حاشیه‌نشینی، نابرابری و تبعیض، سیاست‌گذاری و اجرای پراکنده، سیاست‌های نمایی و بی‌نفاوتی، مشکلات درون‌دولتی، محدودیت زیاد و سهل‌انگاری در فعالیت‌های ورزشی از جمله مشکلاتی است که مسئله اوقات فراغت زنان را تهدید می‌کند. (Rezani & Saffari, 2023: 16) جنسیت یکی از اشکال برجسته تفکیک اجتماعی است که منجر به ناهمگونی و نابرابری در فعالیت‌های اوقات فراغت می‌شود. مقدار و نحوه گذراندن اوقات فراغت تحت تأثیر جنسیت است. به طوری که مردان اوقات فراغت بیشتری نسبت به زنان دارند. (سفیری، 1389: 150)

وقتی بحث از ورزش و اوقات فراغت و تفریح زنان سخن به میان می‌آید کثرت جمعیتی این گروه را نباید از نظر دور داشت زیرا زنان نیمی از جامعه بشری را تشکیل می‌دهند و از جهات مختلف دارای اهمیت‌های خاصی است که در برنامه ریزی‌های گوناگون جامعه، به رفاه، سلامتی و علایق آنها توجه شوند. یکی از اموری مطرحه و با اهمیت برای زنان ورزش است. امروزه زنان زیادی در سطح جهان به ورزش‌های مختلف اشتغال دارند. گروهی از ورزشکاران زن ورزش را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کنند اما بسیاری از آنها در ایران حتی دنباله رو ورزش آماتور هم نیستند؛ عده بیشتری از زنان نیز با ورزش و ورزشکار، بیگانه و یا از حضور در اماکن ورزشی خودداری می‌کنند. (خجسته مهر، 1401: 2) پس بنابراین می‌توان عنوان داشت که در مقایسه با دهه‌های گذشته و گذر جوامع از شکل سنتی به اشکال مختلف مدرن‌تیه و پس مدرن، ورزش دیگر ابعاد آیینی، مذهبی و جنگاوری معنای خود را از دست داده و کم‌کم از شکل مردانه دور شده است و به دلیل پیوند عمیق با سلامت روح و روان، فراغت ماهیتی فراجنسیتی به خود گرفته و به بخشی از زندگی روزمره زنان مبدل شده است. (قادر زاده، حسینی، 1394: 309)

گسترش شهرنشینی و ورود وسایل الکترونیکی و ماشینی در خانه، بر فعالیت‌ها و تحرک جسمانی زنان شاغل و خانه تاثیر گذاشته است یعنی تغییر در سبک زندگی بسیاری از زنان ورزش را به عنوان مقوله‌ای چند بعدی وارد برنامه و زندگی زنان نموده است. ورزش رابطه مستقیم و غیر مستقیم با مؤلفه‌هایی همچون تغذیه، گیاه درمانی، مد، پوشش، رقص، موسیقی و ... پیدا کرده است و به عنوان نمودی برای زنان روشنفکر شده است. اما با تمامی این تفاسیر نوین و با استنباط زنانه از تفریح و ورزش و اماکن ورزشی بازم رویکرد جنسیتی در بطن ورزش گسترده است. زیرا در واقع ورزش به بازی گرفتن قاعده مند بدن است و هر حرکت بدنی در همبستگی تنگاتنگی با بستر اجتماعی اش یک حرکت فرهنگی تلقی می‌شود. ورزش ساخت جسمانی بدن را به شدت تغییر می‌دهد و ساختار و قالب بدن را تغییر می‌دهد و در بیشتر مواقع بسیاری از منتقدین تغییر در ساختار بدنی زنان را قبول ندارند و بر این ادعا صحه می‌گذارند که برخی از ورزشها مثل فوتبال و کشتی و بدنسازی بر صدا و ساختار بدنی زنان تاثیر و آنها را شبیه مردان می‌کند. خیلی از روشنفکران فمینیست این امر را در منافات با حقوق زن دانسته و کنترل مردانه بر نمادسازی از جسم زنانه را نمی‌پذیرند و به شدت به اینگونه نظرات انتقادات شدید دارند. مورد دیگری در مورد فراغت و ورزش زنان بسیار مهم است و فمینیست‌ها به شدت آن را منافات با آزادی زنان می‌دانند مفهوم شجاعت است زیرا بسیاری از رشته‌های ورزشی مستعد ریسک و خطرپذیری بالایی هستند مانند کوهنوردی که اگر زنی در کوهستان در حین صعود به کوه بمیرد یا سقوط کند از نظر عام و منتقدان ورزش زنان به شدت مورد نقد قرار می‌گیرند در صورتی که اگر مردی در شرایط سخت به کوهی صعود کند و جان بسپارد از وی به عنوان قهرمان یاد می‌شود. (موتمنی، همتی، مرادی، 1393: 124)

قشر بندی جنسی به نابرابری امتیازات اقتصادی و قدرت بین مردان و زنان در میدان ورزش امری متداول است و حتی با حضور کثرت زنان در این میدان بازم زنان در میدان ورزش کمتر تشویق می‌شوند، زیرا هنگام ایفای نقش‌های زنانه از آنان جلوه‌هایی از مطیع بودن، حامی بودن و انعطاف انتظار می‌رود. (نقدی، بلالی، ایمانی، 1390: 153) و تمامی این دیدگاه‌ها و تفکرات اجتماعی حاکم بر ورزش زنان عاملی بسیار موثر در تقلیل و یا عدم تخصیص ثروت‌های ملی برای ورزش زنان است و نابرابری در تهیه تجهیزات و اماکن و امکانات برای ورزش زنان می‌باشد



2. سهم ناچیز زنان از تفریحات ورزشی سالم در ایران

تفریح به مانند بسیاری از قواعد حقوقی ضروری ترین زمان استراحت از لحاظ روانی برای زنان و حق زنان است. و اگر زنان در فعالیتهای ورزشی و تفریحی مشارکت فعال¹ داشته باشند. پویایی ذهنی و عاطفی و اقتصادی همراه این فعالیتهای تفریحی وارد زندگی زنان خواهد شد. تفریح برای تجدید نیرو و زدودن یکنواختی زندگی، امری لازم و ضروری و یکی از مهم ترین اصول بهداشت و روان به شمار می رود. (شریفی، 1396: 148) آنچه مسلم است در تفریحات و سرگرمی های ورزشی زنان در ایران مباحث اخلاق اسلامی بیش از تفریحات و فعالیتهای ورزشی مردان حائز اهمیت است و همراه با کلیشه های دینی - مذهبی و جنسیتی و در ارتباط با آنهاست تفاوت امکانات، تجربیات و زمان لازم برای تفریح به نسبت جنسیت متفاوت است به طور مثال زنان متأهل زمان بسیار کمتری در مقایسه با مردان متأهل دارند. همینطور تحقیقات در زمینه کمبود وقت و استرس مربوط به آن نشان می دهد که زنان خیلی بیشتر با ضیق وقت سروکله می زنند و آن را حس می کنند. زنان بچه دار، مخصوصا اگر شاغل هم باشند، وضعشان از نظر حس کمبود وقت از همه بدتر است. بخشی از رویکرد اوقات فراغت و فعالیتهای ورزشی زنان به علت فهم و دریافت جامعه از مفهوم تفریح است

از دلایل عمده تقلیل فعالیتهای تفریحی و ورزشی زنان مخصوصا بعد از ازدواج این است که زنان و به خصوص مادران با درونی کردن نوعی «اخلاق مراقبت»² همواره رسیدگی و مراقبت از فرزندان و دیگران را بر رسیدگی به خودشان مقدم می دانند. در بسیاری از موارد حتی وقتی که خانواده مشغول تفریح است، مادران در حال انجام وظیفه اند. وظایفی که بر دوش زنان است، چه با دستمزد، چه بی دستمزد (کار در خانه) و چه کارهایی که وزن عاطفی و روانی دارد، از وقت زنان برای تفریح و سرگرمی های سالم و ورزشی می کاهد.

رابطه جنسیت و ورزش رابطه ای دو سویه است حتی این رابطه در قواعد و روابط اخلاقی و حقوقی مربوط به ورزش بانوان خیلی مشخص و بارز است و کلیشه ها، نقش ها و عرف های مربوط به جنسیت زمینه ورزشی بسیاری از بانوان را بازتولید می کند، به طور خلاصه چنین می توان گفت که فعالیتهای تفریحی و ورزشی مفاهیم «زنانگی» و «مردانگی» را برمی سازند و با تولید و تکرار این مفاهیم می توانند مقاومتی در برابر رفع تبعیض جنسیتی ایجاد کنند. این تاثیر هم فردی است و هم جمعی. در سطح فردی، تجربه جنسیتی که فرد از فعالیت تفریحی و ورزشی خاصی دارد. مثلا اینکه در آن تفریح پذیرفته شده و از آن لذت برده است یا نه بر رشد فردی و رابطه آن با نقش جنسیتی که از او انتظار می رود تاثیر می گذارد و می تواند نگاهی خاص درباره جنسیت را درونی کند. کلیشه جنسیتی در خیلی از رشته های ورزشی نمایانگر این چالش بزرگ است به مانند مردانه بودن فوتبال و کشتی و ... که کلیشه جنسیتی دیگری را بازتولید می کند. تحقیقات نشان می دهد که ورزش های گروهی نوعی فهم از مردانگی را ترویج داده و پسران را تشویق می کنند که مردانگی سنتی بر حسب رقابت و برتری و قدرت فیزیکی را درونی کنند.

3. دلایل حقوقی و سیاسی عدم توسعه فعالیتهای ورزشی و تفریحی بانوان

توسعه و گسترش سازمان های ورزشی بین المللی، اثرات مثبت ورزش و فعالیت بدنی در زنان سنین مختلف از هر دو بعد جسمی و روحی و حقوق شهروندی و احقاق آن سبب شده که بسیاری از دولتها و قانونگذاران اهتمام ویژه ای به ورزش بانوان داشته باشند. با اینکه بر تعداد ورزشکاران حرفه ای زن در سطح جهان افزوده شده است اما در بسیاری از کشورها بنا به دلایل سیاسی و حقوقی، دینی و عرفی ورزش بانوان نسبت به ورزش مردان از رونق بسیار کمتری برخوردار است. و درآمدهای ورزشکاران مرد به چند صد برابر ورزشکاران زن است.

عوامل پیچیده زیادی بر نحوه مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی تاثیر می گذارد که حاکی از نگاه های جنسیتی است و البته که موانع زیادی برای گسترش این حیطه در حقوق زنان وجود دارد.

در بسیاری از کشورها، وجود برخی از محدودیت ها مانند محدودیت های فرهنگی و اجتماعی، محدودیت های مدیریتی، مالی و امکاناتی به طور ناخودآگاه باعث کم شدن سطح مشارکت بانوان در ورزش و فعالیت بدنی می شود. برجسته تر

¹ - activity participation

² - «ethics of care»



بودن این محدودیت‌ها در ایران به اقتضای شرایط فرهنگی اجتماعی حاکم بر کشور متأسفانه روز به روز بیشتر نمایان می‌شود در کنار ایران افغانستان، پاکستان و بیشتر کشورهای مذهبی وضعیت مناسبی در این زمینه ندارند.

میزان حضور، مشارکت و یا عدم مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی به عنوان شاخصی جهانی نشانگر وضعیت حقوق بشری و اجتماعی بانوان در جوامع مختلف است به طور قطع، به علت نیازمندی‌های محیطی و امکاناتی مستقل و اختصاصی برای زنان در کشورهای اسلامی وضعیت وخیم تفریحات و ورزشی بانوان را کاملاً روشن می‌نماید. (صادقی پور، جهانیان، موسوی، 1394: 5)

در بخش مدیریت ورزشی مدیریت مردسالارانه حکمفرماست. ایجاد و تحول شایسته‌سالاری و برابری حضور زنان در بسیاری از مشاغل و پست‌های مدیریتی مفهوم چندانی ندارد. در کشور ما با تفکرات حاکم سیاسی بر مدیریت ورزش باید حل و فصل شود و لابی‌گری و مسائل مربوط به برتری‌گرایی در زمینه جنسیت و اقوام و فرهنگها یا باید تغییر نماید یا اینکه زنان باید راه‌حل حقوقی جدیدی برای احقاق حقوق خود در زمینه عدالت ورزشی بیابند

به هر سوی عدالت از لحاظ تهیه‌امکانات و بها بخشی در رشته‌های مختلف ورزشی و از شهری به شهر دیگر حتی در حوزه ورزش مردان بسیار متفاوت است و این امر در حوزه ورزش و تفریحات زنان به علت تفکرات و گرایش‌های جنسیتی بیش از پیش وخیم است. هر چند که می‌توان گفت که برنامه‌ریزی برای گذران اوقات فراغت با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی، مخصوصاً برای بانوان ارتباط نزدیکی با برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌های سازمان ورزش و شهرداری‌ها دارد، زیرا ساماندهی فضایی و تأمین امکانات فراغتی تا حدود زیادی به کمیت و کیفیت فضاهای شهری و تجهیزات آنها وابسته است و بدون قوانین مصوب در شهرداری و سیاست‌های اقتصادی شهرداری‌ها این امر ممکن نیست.

در کشور ایران بنا به تمهیدات قانونی متولی اصلی احداث و نگهداری اماکن ورزشی به عهده وزارت ورزش است، اما براساس بند 1 ماده 55 قانون شهرداری‌ها، احداث ورزشگاه و اماکن تفریحی ورزشی و پارکها، از وظایف شهرداری‌هاست. و اگر سیاست‌های کلی شهرداری و استانداردها در این زمینه صحیح نباشد بی شک مراکز ورزشی مخصوص برای نصف جمعیت مهیا نخواهد شد، شهرداری سازمانی محلی، غیردولتی و عمومی و از نهادهای مدنی تلقی می‌شود اما به هر سوی در اهداف کلان سیاسی و فرهنگی با زمینه و اهداف دولتی حرکت می‌کند و هر چند وظایف گوناگون و بسیاری را بر عهده دارد. اما یکی از وظایف مهم شهرداری‌ها برنامه‌ریزی برای گذران اوقات فراغت شهروندان در ارتباط با نیازها و خواسته‌های آنهاست که اهتمام ویژه به زنان در ساختار فرهنگی و سیاسی کشور ما بسیار ضروری است و نهادینه کردن ورزش بانوان و احداث فضاهای مناسب برای بانوان باید نهادینه شود. (مهذباده، اندام، 1393: 18)

نهادینه کردن بدین مفهوم است که موجب ثبات، پایداری و فراگیر شدن سیاست‌های کلی برای توجه به تفریحات بانوان باشد هر چند، عوامل متعددی در عدم نهادینه شدن و گسترش ورزش بانوان در سطح کشور وجود دارد از جمله میتوان به اهداف و راهبردها، زیرساختها و امکانات، تحقیق و پژوهش، منابع انسانی، بودجه، قوانین و مقررات، و ویژگیهای فرهنگی ورزش بانوان اشاره کرد.

البته می‌توان دلایل زیادی را در عدم توسعه و عدالت امکان ورزشی و تفریحات مناسب برای بانوان در محیط‌های شهری بزرگ در نظر گرفت، هر چند در روستاها هم به علت محدودیت‌های فرهنگی تفریحات سالم و ورزشی زنان بسیار نابرابر است اما در محیط شهری با توسعه و توجه ویژه باز هم محدودیت‌های شدیدی وجود دارد

1. کمبود نیروی انسانی زنان متخصص ورزشی در حوزه ورزش شهرداری
2. عدم مکان‌یابی مناسب برای ساخت زمین‌های ورزشی مخصوص بانوان در محله‌های شهری
3. عدم انسجام و هماهنگی لازم بین شهرداری و سایر ارگان‌ها
4. فقدان تجهیزات و امکانات ورزشی در پارک‌های بانوان و سایر باشگاه‌های ورزشی زنان که در بیشتر باشگاه‌های ورزشی در ایران هر دو جنس استفاده می‌کنند اما به صورت زوج و فرد و یا در ساعات خاصی از روز برای زنان و ساعات خاصی از روز برای مردان که این امر باعث می‌شود قشر عظیم زنان شاغل نتوانند از این امکانات استفاده کنند
5. توزیع نامناسب امکانات و تجهیزات ورزشی در باشگاهها و پارک‌های بانوان



6. بخش خصوصی در ایران به علت عدم سودهی مناسب باشگاه‌های و ورزشگاه‌های ویژه بانوان حاضر به سرمایه‌گذاری در این بخش نیست

از شرایط و عواملی است که تفریحات سالم و ورزشی برای زنان در سطح کشور سخت نموده، البته در کنار همه‌ی این موارد قواعد محدود کننده اجتماعی هم مزید بر علت است که بیشتر بانوان حاضر به تفریح و حتی ورزش در چنین فضاهایی نیستند و این امر بر ناعدالتی در حوزه ورزش بانوان می‌افزاید.

3-1. کنوانسیون هر گونه تبعیض علیه زنان و حق تفریحات سالم زنان

یکی از مهم‌ترین اسناد حقوق بین‌الملل که در زمینه حقوق بشر بسیار مهم است کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان است¹. این کنوانسیون مهم‌ترین معاهده ملل متحد در مورد تبعیض جنسیتی است و تبعیض جنسیتی را به شدت مورد نقد قرار می‌دهد از منظر این کنوانسیون تبعیض جنسیتی عبارت است از:

«قائل شدن به هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر مبنای جنسیت... در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی یا هر زمینه دیگر»

به همین جهت از تفریحات گرفته تا ورزش‌های سخت و ورزش‌های گوناگونی مثل فوتبال و ... در منظر این کنوانسیون برای زن و مرد یکی است

مبارزات زنان در عرصه‌های مختلف حقوق بشری از شکل حمایتی درآمد و در دهه‌های 1980 تبدیل به نگاه‌های غیر تبعیض آمیز گردید. و هر گونه نگاه تبعیض آمیز جنسی به زن و مرد را رد می‌نمایند و معتقد به رفتار مساوی نسبت به زن و مرد است. البته اسناد بین‌المللی که مبین این دیدگاه هستند برخی از موضوعات را خاص زنان می‌دانند، ولی تبعیض جنسی یا رفتار بر اساس استانداردهای مختلف بر پایه جنس را صریحاً رد می‌کنند. (منتظری، 1396: 89) این کنوانسیون با عنوانش از لحاظ حقوقی و بین‌الملل حق برابر از لحاظ تامین امکانات ورزشی را حق اساسی زنان در تمامی جوامع می‌داند و دولت‌ها را دعوت به انجام عدالت فرهنگی و اجتماعی در زمینه تفریح و استفاده از امکانات ورزشی بدون تبعیض می‌نماید.

3-2. نابرابری جنسیتی در تهیه امکانات ورزشی بانوان

شاخص‌های متفاوتی در سطح جوامع برای نابرابری جنسیتی وجود دارد که این امر می‌تواند بر حقوق زنان مخصوصاً حق تفریح و بهره‌مندی از امکانات رفاهی و ورزشی تأثیر بگذارد

1. زنان و مردان موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند، و در وضعیت نابرابری قرار گرفته‌اند و در جایگاه‌های مشابه زنان از منابع مادی، منزلت اجتماعی قدرت و فرصت‌های تحقق کمتری برخوردارند. این جایگاه اجتماعی می‌تواند بر طبقه، نژاد، شغل، قومیت، دین، آموزش و ملیت یا هر عامل مهم دیگر اجتماعی مبتنی باشد
2. نابرابری جنسیتی بی شک از بطن جامعه شکل می‌گیرد و دلیل این نابرابری‌های تفاوت زیست شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود.
3. هرچند انسانها ممکن است از نظر استعدادها و ویژگی‌های هوشی، جسمی و مالی با یکدیگر تفاوت داشته باشند، هیچگونه تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز کند. اینگونه می‌توان بیان داشت که نابرابری جنسی از آنجا ناشی می‌شود که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق نفس برخوردارند، درحالی‌که هر دو در این نیاز سهیمند.
4. که هم مردان و هم زنان میتوانند در برابر ساختارها و موقعیت‌های نابرابر، واکنشی آسان و طبیعی نشان دهند؛ یعنی می‌توان موقعیت زنان را در همه‌ی جوانب در اجتماع تغییر داد. (نظری آزاد، طالب پور، کاشانی، 1398: 298)

اما علی‌رغم نظریه فوق در منظر حقوق زنان وضعیت بسیار متفاوت و در جوامع متفاوت نسبت به دیدگاه افراد جامعه شرایط سخت و متفاوتی وجود دارد زنان در طول تاریخ و در جوامع مختلف و در شرایط متفاوت همواره

- که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) به اجرا درآمد



مورد انواع بی‌مهری، آسیب‌های جسمی، روحی و ظلم و تعدی قرار می‌گیرند و حقوقشان به راحتی در تمامی زمینه‌ها تضییع می‌گردد. این امر به دلیل سنت‌های ناروا و تعصبات خشک مذهبی - عرفی و غرض ورزی‌های مردانه و گاه ناآگاهی خود زنان در زمینه حقوق فردی و جمعی می‌باشد ویژگی‌های خاص جسمانی زنان و اهی برجسته سازی این ویژگی‌ها در قوانین و سطح جامعه موجبات سو استفاده حقوقی و سیاسی سیستم‌های دولتی را فراهم می‌آورد. حتی عدم درک صحیح و شناخت عمیق خود زنان نسبت به حقوق و وظایفشان به طور حتم احقاق حقوق این طیف جامعه را در تمامی زمینه‌ها با مشکل مواجه می‌سازد. (محمد زاده ، 1396 : 75)

در باب مسائل مربوط به ورزش بانوان در در طول تاریخ همواره احجافی در مورد بانوان وجود داشت زیرا ورزش قلمرویی مردانه محسوب شده و استانداردها و ارزش‌های آن، همگی بر اساس مردان شکل گرفته است و زنان بیشتر نقش حاشیه‌ای در دنیای ورزش داشته‌اند. نگاهی به تاریخ ورزش زنان در ایران هم شرایط دلگیر کننده‌ای را نمایان می‌سازد. فعالیت‌های کاملاً رسمی ورزش زنان در ایران از دهه 1320 شمسی با شرکت زنان در مسابقات دو و میدانی شروع شد. اما به علت سنت‌ها رایج و تفکرات رایج سنتی در کشورها بیشتر زنان در مورد امور ورزشی با مقاومت خانواده‌ها رو به رو می‌شدند. هر چند که مسابقات تیمی زنان از دهه‌ی 32 کلید خورد و پس از آن ورزش‌های رزمی مانند کاراته نیز وارد دنیای ورزش زنان شد. در دهه‌ی 42 باشگاه‌های ورزشی زنان راه‌اندازی شدند. اوایل دهه‌ی 57 فعالیت‌های ورزشی زنان به علت تحولات کشور قطع می‌شود، دهه‌ی 1370 برای تاریخ ورزش زنان بسیار مهم است؛ چرا که امور ورزشی بعد از چند سال رخوت، شکلی رسمی به خود گرفت. گروه‌های ملی فوتبال، فوتسال، والیبال و بسکتبال تشکیل و همچنین رشته‌هایی به ورزش زنان اضافه شد. و همچنان روند رو به رشد ادامه دارد ولی نسبت به جمعیت زنان ایران میزان بهره‌مندی زنان از امکانات ورزشی تفریحی بسیار کمتر از زنان است. (نظری آزاد ، طالب پور ، کاشانی ، 1398 : 294)

در جوامعی که کار و ثروت زنان اهمیت پیدا می‌کند، قدرت بیشتری از لحاظ اجتماعی برای زنان فراهم می‌شود. و اهمیت این امر در گرو مهارت تکنیکی و درجه‌ی خودمختاری کار زنان است؛ یعنی در جوامعی حضور اجتماعی زنان بیشتر و قدرت اقتصادی آنها توسعه می‌یابد رفاه و امکانات اجتماعی ناخودآگاه هم بیشتر فراهم می‌شود مخصوصاً در کشورهای توسعه یافته که تفاوت جنسیتی در استفاده از امکانات و حقوق شهروندی مشخص نیست. میزان بهره‌مندی زنان از امکانات بیش از پیش است.

کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان¹ در ماده 1 عبارت: «تبعیض علیه زنان»، به معنی قائل شدن هر گونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آن‌ها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، برپایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً، هدفش از بین بردن این وضعیت است.

هر چند ایران به مانند سومالی، سودان، تونگا به این کنوانسیون ملحق نشده‌اند. اما وجود این کنوانسیون تأثیراتی مثبت بر جامعه ایران داشت و از دهه‌های هشتاد به بعد قانونگذاران ایرانی را مجبور کرد که پارک‌هایی اختصاصی برای زنان به منظور تفریح و ورزش و فعالیت تدارک ببینند و در بیشتر شهرهای بزرگ در ایران هم اکنون چندین پارک بانوان به صورت اختصاصی وجود دارد که وجود این پارکها عدالت در این زمینه را هنوز نتوانسته محقق است

در ماده همین کنوانسیون تبعیض علیه زنان را به هر شکل محکوم می‌نمایند و موافقت می‌نمایند بدون درنگ، به طرق مقتضی، سیاست رفع تبعیض علیه زنان را تعقیب نمایند و بدین منظور، دولتها را بر امور زیر تعهد می‌نمایند:

الف: گنجاندن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی یا دیگر قوانین متناسب داخلی خود، اگر تاکنون چنین کاری انجام نشده و حصول اطمینان از تحقق عملی این اصل، از طریق وضع قانون (منظور قوانین عادی لازم‌الاجراست) و طرق مناسب دیگر

ب: اتخاذ تدابیر قانونی و غیره از جمله وضع ضمانت اجراهای مناسب به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان.

1 - مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی (مطابق با ۱۳۵۸/۹/۲۸ شمسی)



ج: حمایت قانون از حقوق زنان براساس تساوی با مردان و حصول تضمین و اطمینان از حمایت مؤثر زنان علیه هر نوع تبعیض، از طریق دادگاه‌های صالح ملی و دیگر مؤسسات عمومی.

د: خودداری از انجام هر گونه اقدام و عمل تبعیض‌آمیز علیه زنان و تضمین اینکه مقامات و مؤسسات عمومی بر طبق این تعهد عمل نمایند.

ه: اتخاذ هر گونه اقدام مناسب برای رفع تبعیض علیه زنان توسط هر فرد، سازمان یا مؤسسه.

و: اتخاذ تدابیر لازم، از جمله تدابیر قانونگذاری، برای تغییر یا لغو قوانین، مقررات، عادات و عملکردهایی که نسبت به زنان تبعیض‌آمیز هستند.

روح کلی حاکم بر این معاهده، تساوی از جمیع جهات بین زن و مرد است و هر گونه تمایز و استثنا و محدودیت بر اساس جنسیت بین زن و مرد را نفی می‌کند و قوانین مدنی و کیفری و حتی قانون اساسی را که مغایر با معاهده باشد مورد سوال قرار می‌دهد و بر تغییر و اصلاح کلیه برنامه‌ها و قوانین و سیاست‌های دولت تاکید دارد به همین جهت ایران به عنوان کشوری اسلامی با دیدگاه و بینش غربی این کنوانسیون موافق نیست و آن را نپذیرفت اما عدم پذیرش این کنوانسیون نتوانست اصلاحات اسلامی و فرهنگی مناسب را در جامعه در مورد حقوق زنان از جمیع جهات برآورده است. مشکلات و چالش‌های متعدد و آسیب‌های اجتماعی در زمینه حقوق زنان وضعیت سیاسی کشور را دچار تنش‌هایی اساسی در این زمینه کرده است که هر چند از نظر مفسیرین، فقها عضویت در این کنوانسیون آسیب‌های جدی را متوجه جامعه ایران می‌نماید که با اصول قانون اساسی و نظر اسلام در مورد زن و مرد مغایرت دارد. (قامت، صابری قمی، 1391: 184)

شاید پیوستن ایران به کنوانسیون باعث تعدیل در بسیاری از زمینه‌ها مخصوصاً حضور زنان در استادیوم‌ها می‌شود اما سیاستمداران و قانونگذاران با تاکید بر باورهای دینی و اسلامی و شریعت مقدس اسلام وجود این کنوانسیون را برای جامعه و مباحث مربوط به نفقه و طلاق و ارث خطرناک می‌دانستند.

3-3. منشور حقوق زنان و حق بر تفریح و عدالت ورزشی

قانون دیگری که در زمینه حقوق زنان می‌توان از آن نام برد منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان است در قسمت اول ماده واحده این قانون دلایل تفاوت زنان را از لحاظ این قانون مورد بررسی قرار داده و مقرر نموده:

از آنجا که در مجامع بین‌المللی بحث و جدال فراوان در زمینه حقوق انسانی زنان وجود دارد و آنان درصدد اثبات حقوق انسانی منطبق با دیدگاه غربی برای زنان می‌باشند و از طرفی کشورهای مختلف بر اساس فرهنگ‌های متفاوت خود نظرات و عملکردهای متفاوتی در زمینه حقوق انسانی زنان دارند، لازم بود تا در منشور که نمایانگر دیدگاه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد حقوق انسانی زنان، حقوق مشترک بین زن و مرد و نیز حقوق ویژه زنان در موضوعات مختلف ذکر شود تا مشخص گردد که نظام جمهوری اسلامی ایران اساساً چه حقوق و مسئولیت‌هایی را برای زنان قائل است.¹

در قسمت هشت ماده واحده همین منشور با بررسی ساختار منشور مصادیق حقوق و مسئولیت‌های زنان با استقراء به صورت ذیل تقسیم شده است:

حقوق فردی، حقوق خانوادگی، حقوق اجتماعی (که حقوق اجتماعی بر حسب موضوع به حق سلامت، حقوق فرهنگی، حقوق اقتصادی، حقوق سیاسی و حقوق قضایی دسته بندی شده است).

آنچه از قواعد و قوانین این منشور بدان احتیاج داریم حق سلامت و حقوق فرهنگی است. زیرا تفریح و ورزش عاملی مهم در سلامت جسم و روح و روان افراد است. و زنان به عنوان عنصر اصلی خانواده بیش از هر قشر دیگری بدان احتیاج دارند (عشقی صحرايي، 1400: 114)

بخش سوم منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان که مربوط به مسئولیت‌های اجتماعی زنان می‌باشد در فصل که به حقوق و مسئولیت‌های سلامت جسمی و روانی زنان تمرکز و توجه شده است مواردی که سلامت جسمی و روانی و روحی

¹ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، مصوب 1383/6/31



زنان را تامین می‌کند عنوان نموده است که در بند 53 عنوان حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم را یکی از حقوق عمده در زمینه سلامت روحی و روانی زنان بر شمرده است در بند 54 هم حق پرورش و شکوفایی استعدادهای ورزشی و حضور در میادین ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی متناسب با موازین اسلامی را عنوان کرده است

به هر سوی تهیه امکانات ورزشی و آموزشی در کشوری مثل ایران با وضعیت اقتصادی و فرهنگی مشخص برای تمامی زنان مقدور نیست و در همه‌ی شهرها مهیای چنین امری بنا به دلایل اقتصادی و فرهنگی غیر ممکن است

اما و متأسفانه برخی از مواد منشور در تضاد کامل با متن قانون اساسی و قانون مدنی است و منشور حقوق زنان را تبدیل به بیانیه‌ای نمادین در تقابل با کنوانسیون رفع حقوق زنان نموده است و هیچ‌گونه ضمانت اجرایی ندارد و بسیاری از مفاد آن در مغایرت با قوانین موجود در ایران است، سنت‌های نادرست خانوادگی، قبیایل و جامعه و همچنین الگوهای رفتاری نامناسب و نامطلوب باعث محرومیت زنان از بسیاری از حقوق انسانی آنها گردیده است و عدم ارائه صحیح آگاهی‌ها حقوقی به زنان، بسیاری از مشکلات موجود را به وجود آورده است. فرآیند آموزش حقوق فردی زنان از دورن خانواده و محیط‌های آموزشی شروع می‌شود و مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نتایج را در بردارد. در هر جامعه و در هر دوره زمانی، مقتضیات حقوقی جوامع حاصل مطالبات فرهنگی و حقوقی جامعه است و ذات زندگی اجتماعی از تفکر و فرهنگ اقشار مختلف آن مخصوصاً زنان سرچشمه می‌گیرد، فعالیت‌های هدفمند و سنجیده باعث تغییر در ساختارهای حقوقی و رفاهی جامعه می‌شود

زنان با کسب مهارت‌های حقوقی و آگاهی به قوانین می‌توانند در عرصه‌های زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و فنی نقش موثری ایفا نمایند و وقتی خواسته‌های زنان به عنوان بخشی از فلسفه اجتماعی شود به سادگی مسائل مربوط به عدالت در تمامی زمینه‌ها گسترده و قانونگذاران سیاست‌های حقوقی خود را در زمینه حقوقی انسانی زنان تغییر می‌دهند.

هر چند از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی منشور حقوق زنان فقدان ضمانت اجرایی حقوقی و قانونی است. مشکلات و موارد حقوقی بی شماری در مورد نابرابری‌ها و خشونت‌های در آن مشهود است منشور حقوق زنان در بیشتر موارد حقوق زنان سکوت و در مواردی که عناوینی را ذکر کرده پرداخت قانونی و حقوقی کامل را اجرا ننموده است و بسیاری از مفاد آن فرمایشی و بدون ضمانت اجراهای لازم به عنوان سند نوشته شده و بدون کارایی حقوقی و بلا استفاده می‌باشد.

به هر حال منشور در مواردی به سلامت روان زنان توجه کرده است زیرا ارتقای سلامت زنان در همه ابعاد آن (جسمی و روانی) مطمئن ترین راه جهت دست یابی به سلامت و بهبود سطح کیفی زندگی زنان است. با توجه به نقش مادری و حضور پر رنگ زن در خانواده سلامت زن تأثیر مثبتی بر زندگی خانوادگی و نسل‌های آینده و شرایط رشد و توسعه را فراهم خواهد ساخت. در اصل حضور زن در اجتماع به طور مثبت یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع است. (لطیفی، ابراهیمیان، رنجبر، 1399: 109)

نتیجه گیری

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران در تقابل با کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض بر علیه زنان تدوین و تصویب گردیده است. این منشور به علت منافات با قانون اساسی و حقوق مدنی ضمانت اجرایی لازم را ندارد اما در فصل سوم همین منشور در مورد 53 حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم از مواردی است که باعث گسترش ورزش زنان در کشور شده است و امروز بیش از یک میلیون زن ورزشکار حرفه‌ای در سطح کشور در حال فعالیت هستند اما متأسفانه به دلایل سیاست‌گذاری‌های اشتباه در حوزه زنان و مدیریت‌های مردانه و اشتباه در حوزه تفریح و ورزش زنان باعث گردیده است تا شهرداری‌ها در کلانشهر آن‌چنان که لازم است در زمینه فعالیت‌های ورزشی و تفریحی بانوان اقدامات مناسب انجام دهند. هر چند از دهه 80 به بعد پارک‌ها و اماکن ورزشی متعددی برای تفریح و ورزش بانوان در نظر گرفته شده است. با توجه به وضعیت فرهنگی و دینی کشور ما و شرایط سیاسی حاکم متأسفانه سرمایه‌گذاری در این بخش از سوی دولت‌مردان و شهرداری‌ها چندان چشمگیر نیست.



از سوی دیگر تفکر جنسیتی حاکم بر ورزش بانوان در جامعه سنتی ما و در کشورهای دیگر باعث نوعی جبهه گیری اجتماعی در زمینه انجام بسیاری از ورزش های قهرمانی؛ ایجاد امکانات و تسهیلات لازم در زمینه مکان و شرایط اجرایی غیر ممکن شده است.

به هر سوی ورزش و تفریحات بانوان یکی از عرصه های مهم ظهور نمادین سبک زندگی است. تصور و انتظاری که زنان طبقات مختلف اجتماعی از ورزش دارند بسیار متفاوت است اما به هر سوی واقعیت این است حفظ عدالت و تعادل در این زمینه و نگاه های اجتماعی به مسئله ورزش بانوان به شدت از لحاظ احقاق حق زنان بر ورزش و تفریح را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد.

منابع و ماخذ

- 1) آیت اللهی، زهرا؛ کاوه مریان، میترا؛ حاجری، عبدالرسول(1382) بررسی سند بین المللی حقوق جهانی زنان (کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان)، چاپ اول، تهران: انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده
- 2) خجسته مهر، امید، (1401) زن و حقوق ورزشی، ششمین همایش علوم ورزشی و تربیت بدنی و مدیریت راهبردی در ورزش
- 3) رضاپور اکرتی، منیره؛ طاهری اکردی، محمد حسین (1401) بررسی نقش تفریح، سرگرمی و بایسته های آن در سبک زندگی اسلامی، نشریه معرفت، پیاپی 294، (3) 31 (69-59)
- 4) سفیری، خدیجه، مدیری، فاطمه(1389) تفاوت های جنسیتی در اوقات فراغت فصلنامه تحلیل اجتماعی، (59) 4، 101-95
- 5) سلیمانی، حسن (1398) بررسی اقدامات سازمان ملل متحد در حوزه زنان خاورمیانه و تاثیرات آن بر توانمندسازی آنان، چاپ اول، انتشارات نیک آفرید
- 6) شریفی، احمدحسین، (1396)، اوقات فراغت از نگاه اخلاق اسلامی، دانشنامه اخلاق کاربردی، قم: موسسه آموزشی و پژوهی امام خمینی
- 7) صادقی پور، حمیدرضا؛ جهانیان، محبوبه؛ موسوی، سیده راضیه (1394) چالش ها و فرصت های فراروی ورزش بانوان استان بوشهر و راهکارهای توسعه آن، نشریه: مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، (98) 14، (20-1)
- 8) عشقی صحرایی، هستی(1400) حقوق ورزشی بانوان و مسئله عدالت، چاپ اول، رشت: شمیم مهر و اندیشه
- 9) قادر زاده، امید، حسینی، سیده چیمین (1394) ورزش زنان و دلالت های معنایی آن، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، (3) 13، (309-334)
- 10) قامت، جعفر؛ صابری قمی، پرتو(1391) الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، فرصت و تهدیدها، فصلنامه مطالعات و روابط بین الملل، (18) 5، شماره پیاپی 18، (212-179)
- 11) قرائتی، مهدی، (1384) حقوق زنان در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات خورشید
- 12) نظری آزاد، معصومه؛ طالب پور، اکبر؛ کاشانی، مجید(1398) تحلیل جامعه شناختی از نابرابری جنسیتی در ورزش) از منظر زنان ورزشکار قهرمان ملی، فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه، (40) 10(316-289)
- 13) نقدی، اسداله؛ بلالی، اسماعیل؛ ایمانی، پروین (1390) موانع فرهنگی اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت ورزشی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، (1) 10(1163-147)
- 14) محمد زاده، ناهید (1396) زنان و حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، (9) 3، (89-75)
- 15) منتظری، سید هادی (1396) نگاهی بر حقوق زنان از منظر حقوق بین الملل «مطالعه موردی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، (9) 3، (125-87)
- 16) موتمنی، علیرضا؛ همتی، امین؛ مرادی، هادی(1393) شناسایی و اولویت بندی موانع پیشروی بانوان در انجام فعالیت های ورزشی، مطالعات مدیریت ورزشی، (4) 6، (130-111)
- 17) مهدیزاده، رحیمه؛ اندام، رضا(1393) راهکارهای توسعه ورزش همگانی در دانشگاه های ایران، مطالعات مدیریت ورزشی، (22) 6، (38-15)
- 18) لطفی، توکل؛ ابراهیمیان، حجت الله، رنجبر، مقصود (1399) منشور حقوق شهروندی و چالش های حقوق شهروندی زنان در ایران، مجله اخلاق زیستی و حقوق شهروندی، (ویژه نامه اخلاق زیستی و حقوق شهروندی، (1) 10، (118-106)



- 19) Torkildsen, G. (2011). Torkildsen's sport and leisure management, ed. 6th. Routledge, 270 Madison Avenue, New York, NY10016.
- 20) Rezania ,Seddigheh, Jafari Hafikhani Nader, Saffari, Marjan(2023) Iranian Women's Leisure Time Dilemmas: from the Experts' Perspective, The International Journal of Humanities Vol. 28 (2): (13-25)

The Right of Inclusive & Fair Access of Women to Sports Facilities & Healthy Recreation

Maryam Shiriyan Nasl

Assistant Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

(Corresponding Author) Maryam.shiriyan@yahoo.com

Reza Khalili Amandi

Masters Student in Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

Reza.kh17301@gmail.com

Abstract

Background and Aim: free time is a necessity of modern life due to lack of movement and sufficient activity for women. The life situation of women has changed a lot due to industrial and electronic advances, and on the other hand, attention to women's rights due to the pressure of feminist groups and groups defending women's rights has led to several conventions on women's rights and cultural and social rights. They should be compiled.

Methods: This study was carried out with a descriptive-analytical method and data collection was done by using a check from books, articles, electronic resources and websites, in which the process of comprehensive and fair right of access was investigated. Women's sports facilities and healthy recreation in Iran were discussed.

Findings: The convention to eliminate any discrimination against Iranians based on religious and social reasons has not been accepted by Iranian statesmen and jurists. In opposition to the aforementioned convention, the government of Iran has approved a document entitled the Charter of Women's Rights. In this charter, women's right to universal and fair access to healthy sports facilities and recreation is only briefly mentioned. And this Charter of Sports and Recreational Rights It has considered women as binding, even though this charter does not have the necessary executive guarantee to protect the rights of Iranian women.

Conclusion: The women's rights charter contradicts many of the provisions of the constitution and unfortunately, with all the developments and developments that have taken place in the field of women's recreation and sports from a legal and social point of view, legal and social justice is still not possible in this case, and perhaps the reason This is the thinking that governs the society and the way society looks at women. Of course, the contribution of the legislators is greater in the lack of proper foundation.

Keywords: Recreation, Women's Sports, Sports Facilities, Women's Rights.